جستاری در باب مواضعِ شیخ مفید نسبت به محدثان ـ مهدی قندی، مصطفی آذرخشی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ۶۷ «ویژه قرآن و حدیث: پیوند ناگسستنی»، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۱۹-۱۳۸

جستاری در باب مواضعِ شیخ مفید نسبت به محدثان

مهدی قندی*
مصطفی آذرخشی**

چکیده: تحلیل دیدگاه‌های شیخ مفید در بارهٔ آثار محدثان شیعه به ویژه شیخ صدوق، موضوع اصلی این مقاله است. نگارنده، با توجه به تفاوت شیوهٔ کار و مخاطبان دو گروه از دانشمندان شیعی، پنج نکته برای شیوهٔ محدثان بر می‌شمارد که آثار متکلمان و فقیهان با محدثان، از این جهات تفاوت داشته است. عمده‌ترین منابع مقاله، آثار شیخ مفید است.

کلیدواژه‌ها: شیخ مفید؛ شیخ صدوق؛ تاریخ تشیع – قرن ۴ و ۵؛ محدثان شیعه، متکلمان شیعه؛ فقیهان شیعه.

*. دانش آموخته‌ی مقطع دکتری قرآن وحدیث دانشگاه تهران mahdi.ghandi.edu@gmail.com
**. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی mostafaaazarakhshi@gmail.com

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

مقدمه

یکی از مهمترین بخش‌های روشنگر درباره شخصیت عقل‌گرای شیخ مفید، مقایسهٔ میزان توجه به شاخصه‌های عقل‌گرایی در آثار وی با آثار محدثان شیعه به خصوص شیخ صدوق است.

شیخ مفید، چنانکه در سامان بخشیدن به نظام فکری شیعه در قبال مکاتب مخالف کوشید، رشد و ارتقای اندیشه شیعیان را نیز بطور جدّی مورد توجه قرار داد. وی بر آن بود که تلاشهای محدّثان شیعه، در جهت تدوین مکتب از حیث عقلانیت، کافی نبوده؛ لذا متکلمان باید گامهایی را بپیمایند که محدثان نپیموده‌اند.

منابع متعدد، از جمله فهرست طوسی و رجال نجاشی، نشان می‌دهد که وی محدّثی آگاه بوده است؛ بدین روی توجّه او به گسترش عقلانیت به جهت بیگانگی با اخبار و روایات نبوده است. وی در نقل میراث شیعی به نسلهای بعد نقش بسیار مهمی دارد، به گونه‌ای که ابن‌ندیم او را پیشوای شیعه در عصر خود، از جهت فقه، کلام و هم چنین حدیث می‌داند.

با این حال، باید توجه داشت که بیشتر تألیفات شخصی شیخ را که به دست ما رسیده – بجز امالی ایشان را که استثنا به شمار می‌آید – نمی‌توان اثر حدیثی به معنای متداولش دانست. حتی در کتاب ارزشمند "الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد" – که اثری است با اقتضاءات حدیثی و تاریخی – حدیث و تاریخ به جهت یک هدف کلامی گردآوری شده‌اند. به علاوه شیخ در این اثر مرتباً اشاره می‌کند که من در اینجا تنها به ذکر برخی نمونه‌ها از نصوص و دلایل امامت ائمه اشاره می‌کنم و کسانی که جویای مطالب بیشتر هستند، به کتب محدثان رجوع کنند. به عنوان مثال، وی در ذیل ذکر نصوص امامت حضرت حجة بن الحسن ارواحنا فداه مخاطب را به کتب اصحاب حدیث، از جمله الغیبة نعمانی ارجاع می‌دهد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

«وهذا طرف یسیر مما جاء فی النصوص علی الثانی عشر من الأئمة علیهم‌السلام، والروایات فی ذلک کثیرة قد دوّنها أصحاب الحدیث من هذه العصابة وأثبتوها فی کتبهم المصنفة، فممّن أثبتها عل الشرح والتفصیل محمد بن إبراهیم المکنی أبا عبد الله النعمانی فی کتابه الذی صنفه فی الغیبة، فلا حاجة بنا مع ما ذکرناه إلی إثباتها علی التفصیل فی هذا المکان.» (مفید، *الإرشاد*، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۹ و ۳۵۰)

دقت در این معانی آشکار می‌سازد که مفید خود را وارث محدثان و مستمدّ از همت ایشان می‌بیند، لیکن برای پیشبرد و ارتقای علمی شیعه، بر مواضعی تمرکز داشته که بیشتر جنبهٔ کلامی و فقهی دارد تا نقل حدیث.

در ادامه به بررسی برخی وجوه تفاوت کارهای شیخ مفید با محدّثان پیش از او می‌پردازیم. از وجوه اهمیت پژوهش حاضر در این باب، آن است که در عموم پژوهش‌های انجام شده در این موضوع، بر فرض که حق مطلب درباره عقل‌گرایی شیخ مفید ادا شده باشد، بسیاری از حقوق محدّثان ضایع شده و دقّت‌ها و تلاش‌های ایشان در جانب توسعهٔ عقلانیت نادیده گرفته شده است. چنانکه در ادامه اشاره خواهد شد، مکتب شیخ مفید بیش از آنکه بخواهد از حیث عقلانیت، در برابر مکتب محدّثان تلقی شود، مکمّل آن بوده است. عناوین شاخصه‌های عقلانیت شیخ، که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند، به قرار زیر است:

الف. تکمیل نظام دانش و اندیشه.

ب. در نظر گرفتن نتایج مترتب بر متون در تفسیر آنها.

ج. قناعت نکردن به بیانات مجمل.

د. تعهد در قبال حداقلّ عقاید به جای حدّاکثر معارف.

ه. محدود نکردن عقاید کلامی به موارد تصریح شده در قرآن و سنت.

۱. تکمیل نظام دانش و اندیشه

شیخ مفید اندیشه‌ای بسیار نظام‌مند و منسجم دارد. وی از ثبت و ذخیرهٔ داده‌ها

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

(Data) بدون اینکه از آنها اطلاعات آگاهی‌بخش (Information) به دست آید، بسیار پرهیز می‌کند.

طبیعی است که وی سلیقهٔ محدّثانی را که در مجموعهٔ کتابهای تبویب‌ناشدهٔ خود، احادیث را - ولو با تمام دقت ثبت می‌کنند - نپسندد. می‌توان گفت اگر وی در شمار اصحاب امامان یازده گانه بود و در مقام ثبت احادیث بر می‌آمد، برای هر موضوع دفتر ویژه‌ای را اختصاص می‌داد، درست همان گونه که شیوخ اصحاب همچون یونس بن عبدالرحمن تألیفات موضوعی داشتند. با این حال این امر، وجه افتراق او از محدثانی همچون برقی، کلینی و صدوق نیست. از ویژگیهای آثار این بزرگواران، آن است که در آنها بر تدوین موضوعی احادیث و ترتیب نظام‌مند کتب[1] و ابواب دقت شده است. شیخ مفید، راهی را که آنان در جهت نظام‌مند کردن داده‌های دین تا جایی پیموده بودند، کامل کرد. به نظر می‌رسد از آن روی که وی دیگر جای خالی‌ای برای تدوین و نظام دادن موضوعی به احادیث نمی‌دیده، تلاش خود را به دیگر داده‌های قابل استفاده معطوف ساخته بود.

به عنوان مثال، کتاب "اوائل المقالات" تدوین مرتّبی از عقاید و اقوال علمای مخالف و موافق در موضوعات اعتقادی و کلامی است. وی در سرآغاز کتاب بیان می‌دارد که این کتاب را می‌نگارد تا «اصل معتمَدی برای نقد و بررسی عقاید» گردد. ترتیب موضوعی مطالب، نگاه تطبیقی و روشنگر، اختصار و گوییِ متن و آزاداندیشی در گزارش نظرات موافق و مخالف، از ویژگی‌های این اثر است.

شیخ همین کار را در مورد آراء و فتاوای فقهی نیز انجام داده و در کتاب "الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام" گرد آورده است. وی - چنانکه خود در مقدمه الاعلام بیان داشته - این کتاب را برای تکمیل "اوائل المقالات" و ظاهراً به درخواست

۱. کلمهٔ "کتب" در اینجا ناظر به تعریف قدما است که به زبان امروزی معدل "فصل‌های مختلف" در یک کتاب است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

سید رضی تدوین کرده است. شیخ تصریح می‌کند که نظام معقولی که این اثر دارد، در کتاب‌های قبل بی‌سابقه است.

«أما بعد، أدام الله للسید الشریف التأیید، ووصل له التوفیق والتسدید، فإنی ممتثل ما رسمه من جمع ما اتفقت علیه الإمامیة من الأحکام الشرعیة، علی الآثار المجتمع علیها بینهم عن الأئمة المهدیة من آل محمد صلوات الله علیهم، مما اتفقت العامة علی خلافهم فیه، من جملة ما طابقهم علیه جماعتهم، أو فریق منهم علی حسب اختلافهم فی ذلک، لاختلافهم فی الآراء والمذاهب، لتنضاف إلی کتاب «أوائل المقالات فی المذاهب المختارات»، ویجتمع بهما للناظر فیهما علم خواص الأصول والفروع، ویحصل له منهما ما لم یسبق أحد إلی ترتیبه علی النظام فی المعقول.» (مفید، الإعلام، ص ۱۵ و ۱۶)

شیخ مفید، علاوه بر تدوین اقوال کلامی و فقهی، به نظام‌بخشی حوزهٔ دیگری از داده‌های مؤثر در اندیشه دینی نیز پرداخته که همان اخبار تاریخی است. کتابهای تاریخی شیخ مفید نشان‌دهندهٔ وسعت اطلاعات تاریخی او هستند. با این حال به نظر می‌رسد که وی صرفاً در صدد ثبت اخبار و گزارش‌های تاریخی و نقل آنها برای آیندگان نبوده، بلکه دغدغهٔ وی نظام دادن به داده‌های تاریخی برای دستیابی به فهم درست از آن بوده است.

مفید در مقدمه کتاب الجمل، به وجود نقیصه‌ای بزرگ در این زمینه و عزم خود بر جبران آن در کتاب خود اشاره می‌کند، و الحق در تدوین کتاب، توانایی خود را در انجام این کار نشان می‌دهد. در مقدمه الجمل می‌نویسد:

«أیدک الله بتوفیقه سألت أن أورد لک ذکر الاختلاف بین أهل القبلة فی حدیث الفتنة بالبصرة، و ما کان بین أمیرالمؤمنین علی بن أبی‌طالب علیه السلام و بین عائشة و طلحة و الزبیر من الحرب المهولة والقتال، ومذهب کل فریق من الأمة فیه علی شرح له وبیان، وإثبات سبب هذه الفتنة والأخبار التی جاءت فیما جری بین القوم، من القتال والفعال. فإن کل کتاب صُنّف فی هذا الفنّ قد تضمن أخبارا تلتبس معانیها علی جمهور الناس. ولم یأت أحد من المصنفین بذکر الحرب فی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

هذه الفتنة على الترتيب والنظام، بل خلطوا الأخبار فيها، خلطاً لم يحصل معه تصوّر الخلل فی ما كان بين الجميع منه على الظهور والتبيان للذی جاء. فقد جمعت لک أيدک الله كلّما صدر عنهم، وأثبت فی هذا الكتاب برهاناً يفضی الناظر فيه إلى صحة الاعتقاد فی أحكام القوم بأسمائهم بأعمالهم وما فيها من الكفر والإيمان والطاعة والعصيان والتبين والضلال؛ لتعلم وفقک الله بالنظر والاعتبار، وتخرج بذلک من التقليد الموبق لصاحبه، ولتظفر بالحق، ويزول عنک الاشتباه الذی التبس عليک أمره فی ما كان هناک. وأجبتک إلى ما سألت معتصما بالله عز وجل وسائلا لک التوفيق والرشاد وبالله أستعين.» (مفيد، *الجمل*، قم، ص ۱۸ و ۱۹)

شیخ حتی در تدوین کتاب المزار - که مشتمل بر آداب زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام است - قصد نظم بخشیدن به احادیث مربوط را داشته، تا کسی که قصد عمل به آداب مندرج در احادیث دارد، سردرگم نشود.

«أما بعد - وبالله التوفيق - فإنی قد اعتزمت على ترتيب مناسک زيارة الإمامين (أمير المؤمنين على بن أبی طالب، والحسين بن على صلوات الله عليهما) ووصف ما يجب من العمل عند الخروج إليهما، ويلزم من الفعل فی مشهديهما، وما يتبع ذلک فی منازله، ويتعلق بأوصافه فی مراتبه. وأذكر على التقديم فی صدره طرفاً مما جاء به الأثر فی فضله، فإنی لم أجده على الحدود التی أؤمّها منه فی شئ مما تقدّم من مصنفات أصحابنا - رضوان الله عليهم - وتأخّر، وإن كان موجوداً فيها على غيرها - مما يتعذّر على القاصد العمل بها لأجل الجمع بينها، ويصعب عليه الإتيان على النسق والنظام بها - وهو اختلاف محالها من الأماكن، وتباين أجناسها من المواضع، واختلاط المعنى منها بخلافه، ومجاوزة الباب فی الغرض لبعيده، ومباينة المناسب فی المواطن لقريبه. فعمدت تلخيص ذلک على اختصار، وتحريت تأليفه للحفظ والتذكار، وبالله أستعين، وعليه أتوكل، وهو حسبی، ونعم الوكيل.» (مفيد، *المزار*، ص ۳ و ۴)

۲. توجّه به نتایج مترتّب بر متون در تفسیر آنها

از ویژگی‌های شیخ مفید، فرار نکردن از مسائل پیچیده، مواجهۀ شجاعانه با سخت‌ترین مسائل و تلاش برای باقی نگذاشتن هیچ‌گونه ابهام است. وی در

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

مناظرات کلامی‌اش نیز نشان داده که گاه از خود مخالفان در تبیین نظرات آنان قوی‌تر است و از تقریر اشکالات آنان در کتب خود هیچ ابایی ندارد، چرا که به خوبی از عهدهٔ نقد آنها بر می‌آید.

یک محدّث، از آن جهت که محدّث است، ضرورتاً این توانایی را ندارد؛ لذا بر عهدهٔ او نیست که بتواند پس از عرضهٔ هر حدیث، همهٔ نقاط ابهام آن را تعیین و تبیین کند؛ احادیث معارض با آن را بشناساند، در رفع اختلاف آنها بکوشد، نتایج کلامی مترتب بر حدیث را استخراج کند و به وسیلهٔ آن به نقد حدیث بپردازد. اینها اموری است که از یک متکلم یا فقیه مطالبه می‌شود.

شیخ مفید یکی از نقاط ضعف محدّثان را داشتن ذهنی بی‌آلایش می‌داند که موجب بهرهٔ اندک آنها در درایه الحدیث و ضعف در نقد محتوایی روایات شده است. در این زمینه می‌نویسد:

«أصحابنا المتعلقین بالأخبار أصحاب سلامة وبعد ذهن وقلة فطنة، یمرّون علی وجوههم فی ما سمعوه من الأحادیث، ولا ینظرون فی سندها، ولا یفرّقون بین حقّها وباطلها، ولا یفهمون ما یدخل علیهم فی إثباتها، ولا یحصلون معانی ما یطلقونه منها.» (مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۸۷ و ۸۸)

اصل ادعای شیخ، سخنی بجا است. ما در زمان حاضر نیز شاهد تفاوت توانایی افراد در فهم متون و نقد محتوایی آنها هستیم. با این حال این سخن بدان معنا نیست که هر کِه محدث باشد، ضرورتاً از فقه و کلام بیگانه است.

برای مثال شیخ صدوق، صرفاً یک محدث نیست، بلکه به گفتهٔ شیخ طوسی «نقاد حدیث» و به بیان نجاشی «فقیه بزرگ طایفهٔ شیعه در خراسان» بوده است. گو اینکه وی در حوزهٔ کلام، بعضاً از متون و بیانات کلامی متکلمان شیعه بهره می‌گیرد، یعنی ظاهراً تسلط او در کلام به پایهٔ تسلط او در فقه و حدیث نمی‌رسد. شگفت اینجاست که شیخ مفید تندترین انتقادات خود را به محدثان، به مناسبت بررسی

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

آرای کلامی و اعتقادی شیخ صدوق ارائه کرده است، به گونه‌ای که خوانندهٔ مبتدی یا متوسّط می‌پندارد شیخ صدوق نه تنها از دقتهای کلامی بی‌بهره بوده، بلکه حتی در نقد حدیث نیز بی‌دقت بوده است! اگر نتوانیم هیچ گونه توجیهی برای نقدهای تند شیخ مفید بیابیم تا آن را حمل بر صحّت کنیم، ناچار با توجه به اطلاعاتی که درباره شخصیت شیخ صدوق داریم، می‌بایست حداقل شماری از دیدگاه‌های شیخ مفید را دربارهٔ صدوق نپذیریم.

به هر تقدیر به نظر می‌رسد تصور شیخ مفید از مرحوم صدوق آن بوده که ایشان بیشتر یک محدث است تا فقیه. در این صورت اگر صدوق کتاب اعتقادات الامامیه را نمی‌نوشت و در موضوعاتی چون سهو النبی سخن نمی‌گفت، شیخ مفید برآشفته نمی‌شد. شیخ مفید در یکی از عبارات کتاب تصحیح الاعتقاد، به این امر اشاره می‌کند. وی در مورد توضیح شیخ صدوق در باب قضاء و قدر می‌نویسد:

«و قد کان ینبغی له لما لم یکن یعرف للقضاء معنی ان یهمل الکلام فیه.» (همان، ص ۵۵)

وی همچنین در باب سخن شیخ صدوق دربارهٔ نفس و روح می‌نویسد:

«کلام أبی جعفر فی النفس والروح علی مذهب الحدس دون التحقیق، ولو اقتصر علی الأخبار ولم یتعاط ذکر معانیها کان أسلم له من الدخول فی باب یضیق عنه سلوکه.» (همان، ص ۷۹)

صرف نظر از درستی قضاوت شیخ مفید در مورد شخص صدوق، اساس نکته‌ای که وی مورد توجه قرار داده، درست است. کسی که نتواند نتایج کلامی یک متن را متوجّه شود و بدین ترتیب نتواند معنای درست و روشنی از متن ارائه دهد، بهتر آن است که در مقام تحلیل و نتیجه‌گیری از احادیث بر نیاید. ما البته این دیدگاه را دربارهٔ شیخ صدوق به خصوص در همین مسألهٔ قضا و قدر درست نمی‌بینیم؛ زیرا قضا و قدر در آیات و احادیث به معانی مختلفی ذکر شده و یکی از آنها اشاره به

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

همان معنایی دارد که مورد توجه صدوق بوده است.

نمونهٔ دیگری از این رویکردهای شیخ مفید، نوع مواجههٔ وی در تحلیل روایات عالم ذر است. شیخ مفید با وجود روایات فراوان دربارهٔ تحقّق عالم ذر و معرّفی خداوند در آن عالم به ارواح، منکر وجود چنین عالمی است. مهمترین استدلال او در این باره آن است که ما هرگز این عالم را به یاد نمی‌آوریم؛ در حالی که همهٔ دوره‌های مهمّ زندگی خود را به یاد داریم. به بیان دیگر، وجود خصیصهٔ یادآوری گذشته‌های مهم در انسان که ما شاهد آن هستیم، نشان می‌دهد که چنان عالمی نبوده است. از این رو، وی بکلّی منکر اخذ معنای ظاهری این گونه احادیث است. او در انتقاد از شیخ صدوق به جهت التزام وی به ظاهر این احادیث می‌نویسد:

«فأما ما ذکره الشیخ أبو جعفر ورواه: أن الأرواح مخلوقة قبل الأجساد بألفی عام، فما تعارف منها ائتلف، وما تناکر منها اختلف، فهو حدیث من أحادیث الآحاد وخبر من طرق الأفراد... فتوهموا أن الذوات الفعالة المأمورة والمنهیة کانت مخلوقة فی الذرّ تتعارف وتعقل وتفهم وتنطق، ثم خلق الله لها أجسادا من بعد ذلک فرکبها فیها، ولو کان ذلک کذلک لکنا نعرف نحن ما کنا علیه وإذا ذکرنا به ذکرناه ولا یخفی علینا الحال فیه، ألا تری أن من نشأ ببلد من البلاد فأقام فیه حولا ثم انتقل إلی غیره لم یذهب عنه علم ذلک وإن خفی علیه لسهوه عنه فذکر به ذکره، ولولا أن الأمر کذلک لجاز أن یولد إنسان منا ببغداد وینشأ بها ویقیم عشرین سنة فیها ثم ینتقل إلی مصر آخر فینسی حاله ببغداد ولا یذکر منها شیئا، وإن ذکر به وعدد علیه علامات حاله ومکانه ونشوئه أنکرها، وهذا ما لا یذهب إلیه عاقل.» (مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۸۰ -۸۶)

شیخ مفید همین مطالب را در «المسائل السرویة» نیز ذکر کرده و در توجیه حدیث مربوط به خلقت ارواح قبل از ابدان بر فرض قبول صحت آن، می‌نویسد:

«وأما الخبر بأنّ الله تعالی خلق الأرواح قبل الأجساد بألفی عام فهو من أخبار الآحاد... وإن ثبت القول فالمعنی فیه: إن الله تعالی قدّر الأرواح فی علمه قبل اختراع الأجساد. واخترع الأجساد، ثم اخترع لها الأرواح، فالخلق للأرواح قبل الأجساد خلق تقدیر فی العلم کما قدّمناه، ولیس بخلق

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

لذواتها کما وصفناه.» (مفید، المسائل السرویة، پیشین، ص ۵۲ تا ۵۵)

او در پایان دلیل خود را در عدول از ظاهر روایت، مخالفت آن با همین واقعیت عینی بیان می‌کند:

«ولیس المراد بتلک أن ما تعارف منها فی الذر ائتلف، کما یذهب إلیه الحشویة، وکما بیناه من أنه لا علم للإنسان بحال کان علیها قبل ظهوره فی هذا العالم، ولو ذکر بکل شئ ما ذکر ذلک.» (همان، ص ۵۴ – ۵۵)

البته برخی از دانشمندان شیعه اشاره کرده‌اند که شیخ مفید در استدلال خود دچار اشتباه شده است (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸ ص ۱۴۴)؛ زیرا نمونه‌های چشم‌گیری وجود دارد که انسان، اتفاقات مهم زندگی خود را فراموش می‌کند. برای مثال، برخی انسانها در اثر سوانحی، بخشهای مهمی از حافظهٔ خود را از دست می‌دهند، به گونه‌ای که زندگی سابق را هرگز به یاد نمی‌آورند. در این حال، نه تنها نزدیکان خود را نمی‌شناسند، بلکه حتی نام و نشان و رفتارهای خود را نیز نمی‌توانند به خاطر آورند. هم چنین مکرّر اتفاق افتاده که ما حقایقی را که در عالم خواب دیده‌ایم، اصلاً به خاطر نمی‌آوریم، در حالی که آنچه که در خواب دیده‌ایم تأثیر خود را بر ما باقی می‌گذارد، مثلاً احساس ترس، خستگی، بهجت و غیر آن، برای مدتی پایدار می‌ماند. خصوصاً با توجه به آنکه عالَمِ تعارفِ ارواح، مشابه با عالم خواب است و ما در عالم ذر به شکل ترکیبی کنونی یعنی حالت تعلق روح به جسم حضور نداشتیم، می‌توانیم به آیتیت این مثالها درک کنیم که به یاد نیاوردنِ یک دورهٔ حیات واقعی روحی، امری کاملاً معقول است. با این گونه بیانها ضرورتی برای نفی ظاهر روایات مزبور احساس نمی‌شود و می‌توان روایات را بر ظاهر خود حمل کرد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

۳. قناعت نکردن به بیانهای مجمل

از ویژگی‌های کتابهای شیخ مفید، آن است که هرگاه به آیه یا حدیثی استناد می‌کند، برداشت خود را از آن به صورت شفاف و روشن بیان می‌دارد. وی تأکید می‌کند که متکلم در مقام تعلیم عقاید باید روشن سخن بگوید وگرنه کار خود را درست انجام نداده است. یکی از انتقادهای وی به محدّثانی که مورد مراجعهٔ مردم‌اند، آن است که بهتر است آنان در این مقام، بیش از آنکه احادیث فراوان ذکر کنند و فهم تفصیلی معانی آنها را به خواننده واگذارند، گزیده‌ای از احادیث را بیاورند و اجمال آنها را برطرف کنند تا مخاطب بتواند به معنای محصّلی دست یابد.

مفید یکی از نقش‌های متکلم را همین امر می‌داند. به گفتهٔ ایشان، کسی مثل شیخ صدوق، اصطلاحات و روایاتی را که ذکر کرده، به خوبی توضیح نداده و در اجمال باقی گذاشته است. این موضوع بخش عمده‌ای از تصحیحات مفید را در کتاب "تصحیح اعتقادات الامامیة" دربرمی‌گیرد.

در این موارد، شیخ مفید در برابرِ برداشت مرحوم صدوق نمی‌ایستد، بلکه اجمال او را به تفصیل در می‌آورد و به تعبیر خود معنای محصّلی از عبارات عرضه می‌کند. در اینجا چند نمونه از گله‌های شیخ مفید از اجمال موجود در عبارات مرحوم صدوق را می‌آوریم.

الف. شیخ در باب معنای مشیت و اراده می‌نویسد: "الذی ذکره الشیخ ابوجعفر رحمه الله فی هذا الباب لا یتحصّل" (همان، ص ۴۹)

ب. وی در باب معنای فطرت می‌نویسد: "ذکر ابوجعفر الفطرة و لم یبیّن معناها و أورد الحدیث علی وجهه و لم یذکر فائدته" (همان، ص ۶۰)

ج. ایشان در باب قضا و قدر می‌نویسد: "لم یقل فیه قولاً محصّلاً" (همان، ص ۵۴)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

د. وی هم‌چنین در باب تقیه می‌نویسد: "و ابوجعفر اجمل القول فی هذا و لم یفصّله". (همان، ص ۱۳۷)

ه. شیخ در باب احادیث مختلفه نیز می‌نویسد: "و الذی اثبته ابوجعفر - رحمة الله- من مجمل القول فیه لم یجد نفعاً". (همان، ص ۱۴۶)

۴. تعهد در قبال حداقلّ عقاید به جای حدّاکثر معارف

از ویژگی‌های آثار محدثان، این بود که در آن کمتر نگران معنا و تفسیر احادیث بودند و به صِرف اینکه از دیدگاه خودشان وثوق به صدور حدیث از معصوم می‌یافتند، آن را نقل می‌کردند. حُسن این کار، آن بود که راه آیندگان را برای دسترسی به اصل کلمات اهل بیت باز می‌گذاشت. اگر محدّثان به مانند متکلّمانی چون شیخ مفید، تنها احادیثی را نقل می‌کردند که به نظرشان عاری از مشکل محتوایی بود، راه تفقه را بر کسانی که از آنان فقیه‌تر بودند تنگ می‌کردند. محدثان به این کلام درخشان توجه داشتند که: "رُبّ حاملَ فقهٍ الی من هو افقهُ مِنه". به نظر می‌رسد که حدیث‌نگاران شیعه در راستای ثبت و انتقال حداکثریِ معارف رسیده از اهل بیت، کوشش خود را انجام دادند و از این حیث سزاوار تقدیرند.

اما متکلمان از بُعدی دیگر به نیازهای جامعه می‌نگریستند. درست همان گونه که نیاز محققان دسترسی به منابع دست اول و تفسیر نشده است، نیاز جامعهٔ عمومی دسترسی به مجموعه‌های گزیده با محتواهای پایه‌ای و ضروری است. متکلمان در مقام تدوین و تبیین و دفاع از مکتب، تنها عهده‌دار متونی می‌شدند که خودشان و محتوایشان کاملاً قابل دفاع باشد. یکی از تفاوت‌های عملکرد شیخ مفید با محدثان، از آن حیث که محدثند، در همین نکته است.

شیخ مفید در ضمن بیان خود در توجیه معنای احادیثی که از کلام نهی کرده‌اند، دو معنا ذکر می‌کند و سپس می‌گوید که این توجیهات بر فرض صحت احادیث

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

مزبور ضروری است، لیکن اگر در اِسناد آنها اشکال مُبطل یا حتی اختلالی وجود داشته باشد، بار توجیه آن‌ها از عهدهٔ ما ساقط می‌شود.

«هذا إن سلمنا الأخبار التی رواها أبو جعفر – رحمة الله. فأما إن بطلت أو اختل سندها فقد سقط عنا عهدة الكلام فيها.» (همان، ص ۵۹)

شاید با همین رویکرد باشد که عمدهٔ متکلمان، خبر واحد را بدون وجود دلیلی که قرینه صحتش باشد، نمی‌پذیرند و آن را موجب علم و موجب عمل نمی‌دانند. شیخ مفید بارها به عدم حجیت خبر واحدی که «محفوف به قرائن صحت» نباشد، تصریح کرده است.

وی در "التذكرة بأصول الفقه" می‌نویسد:

«والأخبار الموصلة إلى العلم بما ذكرناه ثلاثة أخبار: خبر متواتر، وخبر واحد معه قرينة تشهد بصدقه، وخبر مرسل فی الإسناد يعمل به أهل الحق على الاتفاق.» (مفيد، التذكرة بأصول الفقه، ص ۲۸ و ۲۹)

شیخ مفید در همین رساله پس از ارائهٔ تعریف دقیقی از حدیث متواتر، به شرح خبر واحدِ قاطع عذر و دلیلی که باید همراه آن باشد، می‌پردازد و می‌نویسد:

«فأما خبر الواحد القاطع للعذر، فهو الذی يقترن إليه دليل يفضی بالناظر فيه إلى العلم بصحة مخبره، وربما كان الدليل حجة من عقل، وربما كان شاهدا من عرف، وربما كان إجماعا بغير خلف فمتى خلا خبر الواحد من دلالة يقطع بها على صحة مخبره، فإنه كما قدمناه ليس بحجة، ولا موجب علما ولا عملا على كل وجه.» (همان، ص ۴۴ – ۴۵)

البته ایشان در اوائل المقالات بیان می‌کند که جمهور شیعه، ضرورت مقارنهٔ خبر واحد را با دلیلی که نشان دهنده نقل درست توسط راوی است، قبول دارند.

«القول فی أخبار الآحاد وأقول: إنه لا يجب العلم ولا العمل بشئ من أخبار الآحاد، ولا يجوز لأحد أن يقطع بخبر الواحد فی الدين إلا أن يقترن به ما يدل على صدق راويه على البيان. وهذا مذهب جمهور الشيعة وكثير من المعتزلة والمحكمة وطائفة من المرجئة وهو خلاف

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

لما علیه متفقهة العامة وأصحاب الرأی.» (مفید، أوائل المقالات، ص ۱۲۲)

وی در المسائل الجارودیه به دلائل عقلی‌ای که اخبار واحد مشتمل بر نصوص امامت ائمه را تأیید می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«فإن قال قائل من أهل الخلاف: إن النصوص التی یروونها الإمامیة موضوعة والأخبار بها آحاد، وإلا فلیذکروا طرقها أو یدلّوا علی صحّتها بما یزیل الشک فیها والارتیاب. قیل له: لیس یضرّ الإمامیة فی مذهبها الذی وصفناه عدم التواتر فی أخبار النصوص علی أئمتهم علیهم‌السلام، ولا یمنع من الحجة لهم بها کونها أخبار آحاد، لما اقترن إلیها من الدلائل العقلیة فیما سمیناه وشرحناه من وجوب الإمامة وصفات الأئمة علیهم‌السلام؛ بدلالة أنها لو کانت باطلة علی ما تتوهّم الخصوم لبطل بذلک دلائل العقول الموجبة لورود النصوص علی الأئمة بما بیّناه، وعدم ذلک فی سوی من ذکرناه من أئمتنا علیهم‌السلام بالاتفاق والظاهر الذی لا یوجد اختلاف وهذا بیّن – بحمد الله ومنّه – لمن کان له عقل یدرک به الأشیاء. وهو طرف من جملة قد بسطتها فی غیر هذا الکتاب من کتبی وأمالی فی الإمامة واستقصیت فیها الکلام.» (مفید، المسائل الجارودیة، ص ۴۶ و ۴۷)

به نظر می‌رسد محدود کردن احادیث موجِب علم و عمل به شرایطی سخت‌گیرانه برای تعیین حداقل‌های ضروری دین و مذهب، و نسبت دادن فهم خود از متون به خدا و رسول و اهل بیت بر پایهٔ دلیل محکم، امری عاقلانه است که متکلمانی چون شیخ مفید تعقیب کرده‌اند؛ ضمن آن که ثبت حدّاکثریِ معارف برای باز گذاشتن راه فهم بهتر از احادیث برای آیندگان، که محدثان پی گیرفته‌اند، نیز اهمیت خاص خود را داشته و هر دو ضروری بوده‌اند.

۵. محدود نکردن عقاید کلامی به موارد اشاره شده در قرآن و سنت

پیشتر نشان دادیم که اهل بیت به صورت گسترده، به بسیاری از مسائل کلامی اشاره کرده و متون دینی را با آنها مورد سنجش و بررسی قرار داده‌اند. این گستره باعث می‌شد که اگر فقیه یا متکلمی مانند شیخ صدوق می‌خواست استدلالات

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

کلامی خود را تنها به مواردی محدود کند که در روایات اهل بیت نیز بدانها پرداخته شده، سرافکنده از بوتهٔ آزمایش بیرون نمی‌آمد. شیخ صدوق در کتاب التوحید نشان داده که روایات اهل بیت تا چه حدّ در پاسخگویی به شبهات و تبیین مواضع کلامی- عقلی عقاید شیعه کارساز است.

در چنین فضایی بود که شیخ صدوق و امثال او پرداختن به مطالب کلامی‌ای را که در روایات به آنها اشاره نشده ضروری نمی‌دیدند، به خصوص آنکه می‌دیدند بعضاً کسانی که برای دفاع از دین سخنان تازه‌ای به زبان می‌آوردند، با همدیگر اختلاف می‌کنند. بالاتر از این می‌دیدند که نتایج سخنان آنها، گاه چنان با صریح روایات صحیح السند مغایر می‌شود که راه بر تأویل و توجیه روایات بسته می‌گردد و چاره‌ای جز ردّ روایات باقی نمی‌ماند.

کسانی همچون شیخ صدوق، با توجه به این نکات و با برداشت خاصّ خود از روایات نهی از کلام، گسترش دادن کلام را به حوزه‌هایی فراتر از آنچه در آیات و روایات آمده، خلاف عقل و شرع و احتیاط می‌دیدند. از سویی محتوای روایات را به قدر کافی مشتمل بر بیانات عقلی می‌یافتند، بدین روی از کلام عقلی مأثور به کلام عقلی غیر مأثور عدول نمی‌کردند.

شیخ صدوق در الاعتقادات تصریح می‌کند:

«فأمّا الإحتجاج علی المخالفین بقول الأئمة أو بمعانی کلامهم لمن یُحسِن الکلام فمطلق، وعلی من لا یُحسِن فمحظور محرم. وقال الصادق علیه السلام: حاجّوا الناس بکلامی، فإن حاجّوکم کنت أنا المحجوج لا أنتم.» (ابن بابویه، الاعتقادات فی دین الإمامیة، ص ۴۳ و ۴۴)

صدوق نه تنها توانایی متکلم را شرط ورود در مباحث کلامی می‌داند، بلکه مطابقت تمامی سخنان او را با مفاهیمِ رسیده از اهل بیت شرط می‌کند. وی در کتاب التوحید، پس از ذکر دلایل یکی از متکلمین شیعه در باب توحید می‌نویسد:

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

«و هذه ادلة اهل التوحید؛ الموافقة للکتاب و الآثار الصحیحة عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الائمة علیهم‌السلام» (ابن‌بابویه، التوحید، ص ۳۰۴)

تأکید صدوق بر مطابقت دلایل مذکور بر کتاب و سنت، دقت او در استفاده از بیانات کلامی از همین قسم را نشان می‌دهد.

از سیرهٔ هشام بن حکم نیز برمی‌آید که وی لااقل در بسیاری از مناظرات خود، از معانی کلمات ائمه استفاده می‌کرده است. فضل بن شاذان نیز دربارهٔ انتساب مطالب رساله علل خود بیان می‌دارد: من به خود جرأت نمی‌دهم که برای احکام دین خدا علت بتراشم، بلکه اینها را از مولایم امام رضا علیه‌السلام در مجالس متعدد شنیده و خود آنها را تدوین کرده‌ام. (ابن بابویه، *علل الشرایع*، ج ۱، ص ۲۷۴ و ۲۷۵)

نیز از حسین بن روح نوبختی، سومین سفیر امام زمان علیه‌السلام، تحلیلی دربارهٔ «علت جلوگیری نکردن خداوند، از تسلط دشمنانش بر اولیایش» روایت شده که جالب توجه است. راوی حدیث می‌گوید: روز بعد نزد نوبختی رفتم تا از او بپرسم که این مطلب را از پیش خود گفته است یا نه. جناب حسین بن روح، قبل از اینکه من پرسشم را بیان کنم، فرمود:

«یا محمد بن إبراهیم! لان أخرّ من السماء فتخطفنی الطیر أو تهوی بی‌الریح فی مکان سحیق، أحبّ إلیّ من أن أقول فی دین الله تعالی ذکره برأیی ومن عند نفسی؛ بل ذلک عن الأصل، ومسموع عن الحجة صلوات الله وسلامه علیه». (همان، ج ۱، ص ۲۴۳)

با این همه به نظر می‌رسد که شیخ مفید کلام عقلی را به بخش ماثور آن محدود نمی‌داند. دیدگاه‌های او دربارهٔ نفس و روح و بخش "اللطیف من الکلام" که درباره حقیقت عالم ماده و اموری از این قبیل است، شاهد این امر است. وی بر اساس نظرگاه‌های مزبور به نتایجی می‌رسد که در تفسیر معارف دینی به آنها پای بند بوده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

به عنوان مثال، ایشان در اوائل المقالات دربارهٔ کیفر و پاداش مُردگان در عالم برزخ نظریه‌ای ابراز می‌کند، با این توضیح و تصریح که این نظر، نتیجهٔ دیدگاه من دربارهٔ نفس انسانی و در ادامهٔ آن است.

«القول فی تنعیم أصحاب القبور وتعذیبهم، وعلی أیّ شئ یکون الثواب لهم والعقاب، ومن أیّ وجه یصل إلیهم ذلک، وکیف تکون صورهم فی تلک الأحوال؟ وأقول: إن الله تعالی یجعل لهم أجساماً کأجسامهم فی دار الدنیا ینعم مؤمنیهم فیها ویعذب کفارهم فیها وفساقهم فیها، دون أجسامهم التی فی القبور یشاهدها الناظرون، تتفرق وتندرس وتبلی علی مرور الأوقات وینالهم ذلک فی غیر أماکنهم من القبور.

وهذا یستمرّ علی مذهبی فی النفس. ومعنی الانسان المکلّف عندی هو الشئ المحدث القائم بنفسه، الخارج عن صفات الجواهر والأعراض. ومضی به روایات عن الصادقین من آل محمدﷺ، و لست أعرف لمتکلم من الإمامیة قبلی فیه مذهبا فأحکیه، ولا أعلم بینی وبین فقهاء الإمامیة وأصحاب الحدیث فیه اختلافا.» (مفید، أوائل المقالات، ص ۷۷)

البته در همین مورد، وی اشاره می‌کند که من علاوه بر دلیل خودم، روایاتی از اهل بیت دارم که آن را تأیید می‌کند.

وی در نقد سخن شیخ صدوق در باب «نظر» بیان می‌کند که «نظر» با «مناظره» تفاوت دارد و ممکن است که ائمه از جدال و مناظره، به حکمت‌هایی همچون تقیه نهی کنند، لیکن «نهی از نظر» معنای درستی ندارد، چرا که باب تقلید را می‌گشاید و راه تحقیق را می‌بندد. شیخ تصریح می‌کند که نه تنها نظر و تعقل در دین کاری شایسته است، بلکه جدال و مناظره نیز در باب توحید خدا و نفی تشبیه او، برای کسی که توانا باشد ممدوح است. وی می‌گوید: در این باره آثار و احادیث فراوانی وجود دارد که او در سه کتاب خود، آنها را گرد آورده است.

ایشان اشاره می‌کند که مجادله برای دفاع از دین، نه تنها مورد تأیید قرآن و سنت است، بلکه شیوخ اصحاب ائمه نیز در تمام اعصار، عقل را به کار می‌گرفتند و

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

مناظره می‌کردند و ائمه نیز آنها را به بهترین مدایح می‌ستودند. شیخ مفید، متّخذ بودن محتوای کلام از روایات اهل بیت را شرط نمی‌داند، بلکه تنها به توانایی متکلم در التزام به برهان و ارائه درست مطلب و آشنایی با شیوه‌ها و شگردهای مناظره تکیه دارد.

«وما زالت الأئمة علیهم‌السلام یناظرون فی دین الله سبحانه، ویحتجّون علی أعداء الله تعالی. وکان شیوخ أصحابهم فی کل عصر یستعملون النظر، ویعتمدون الحِجاج ویجادلون بالحق، ویدمغون الباطل بالحُجج والبراهین، وکان الأئمة علیهم‌السلام یحمدونهم علی ذلک ویمدحونهم ویثنون علیهم بفضل.

وقد ذکر الکلینی رحمه الله فی کتاب الکافی، وهو من أجلّ کتب الشیعة وأکثرها فائدة، حدیث یونس بن یعقوب مع أبی عبد الله علیه السلام حین ورد علیه الشامی لمناظرته، فقال له أبو عبد الله – علیه السلام –: وددت أنک یا یونس کنت تُحسِن الکلام.

فقال له یونس: جعلت فداک، سمعتک تنهی عن الکلام وتقول: ویل لأهل الکلام، یقولون هذا ینقاد وهذا لا ینقاد، وهذا ینساق وهذا لا ینساق، وهذا نعقله وهذا لا نعقله. فقال له أبو عبد الله علیه السلام: "إنما قلت ویل لهم إذا ترکوا قولی وصاروا إلی خلافه..." وقال علیه السلام لطائفة من أصحابه: "بیّنوا للناس الهدی الذی أنتم علیه، وبیّنوا لهم ضلالهم الذی هم علیه وباهلوهم فی علی بن أبی طالب علیه السلام"؛ فأمر بالکلام ودعا إلیه وحثّ علیه. وروی عنه علیه السلام أنه نهی رجلاً عن الکلام وأمر آخر به، فقال له بعض أصحابه: جعلت فداک، نهیت فلانا عن الکلام وأمرت هذا به؟ فقال: "هذا أبصر بالحجج، وأرفق منه"

فثبت أن نهی الصادقین علیهم‌السلام عن الکلام إنما کان لطائفة بعینها، لا تُحسنه ولا تهتدی إلی طرقه وکان الکلام یفسدها، والأمر لطائفة أخری به، لأنها تُحسنه وتعرف طرقه وسبله... وأما الکلام فی توحیده ونفی التشبیه عنه والتنزیه له والتقدیس، فمأمور به ومرغب فیه، وقد جاءت بذلک آثار کثیرة وأخبار متظافرة، وأثبت فی کتابی "الأرکان فی دعائم الدین" منها جملة کافیة، وفی کتابی "الکامل فی علوم الدین" منها باباً استوفیت القول فی معانیه وفی "عقود الدین" جملة منها، من اعتمدها أغنت عما سواها... والنظر غیر المناظرة، وقد یصحّ النهی عن المناظرة للتقیة وغیر ذلک، ولا یصحّ النهی عن النظر لأن فی العدول

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

عنه المصير إلى التقليد، والتقليد مذموم باتفاق العلماء ونص القرآن والسنة... ولو كان التقليد صحيحاً والنظر باطلاً، لم يكن التقليد لطائفة أولى من التقليد لأخرى، وكان كل ضالّ بالتقليد معذوراً، وكل مقلد لمبدع غير موزور، وهذا ما لا يقوله أحد، فعلم بما ذكرناه أن النظر هو الحق والمناظرة بالحق صحيحة». (مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص ۶۸ - ۷۴)

مقید نشدن شیخ مفید در کلام و مباحث کلامی به لفظ یا معنای روایات، به گسترش کلام شیعی کمک کرد. البته گسترهٔ کلامی- عقلی روایات مأثور نیز چنان بود که هر دو گروه محدّثان و متکلمان در امّهات مطالب، چه در حوزهٔ اصول عقاید و چه در فروع، بیش از آنکه متفاوت باشند، مشابه یکدیگر استدلال می‌کنند. اصولی مانند اصل توحید، نفی تشبیه، نفی جبر، اصل نیاز به نبی و امام، تداوم وجود حجت در زمین، عصمت انبیا و ائمه، ضرورت تأویل آیات و روایاتی که مغایر با این اصول‌اند و امور فراوان دیگر از این قسم، فصل مشترک محدّثان و متکلّمان شیعه و در عین حال، ما به التمایز آنان از دیگر فرقه‌های مسلمان بوده و هست.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *الاعتقادات فی دین الإمامیة*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع ،۱۴۱۴-۱۹۹۳.

۲. همو، *التوحید*، قم، منشورات جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة، بی‌تا.

۳. همو، *علل الشرائع*، نجف الاشرف، منشورات المکتبة الحیدریة ، ۱۳۸۵-۱۹۶۶ م.

۴. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، انتشارات دارالثقافه،۱۴۱۴ق.

۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، بیروت، دارالوفاء،۱۴۰۴ق.

۶. مفید، محمد بن محمد *بن نعمان*، *الإرشاد*، الثانیة، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع ،۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

۷. همو، *الإعلام*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

۸. همو، *أوائل المقالات*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

۹. همو، *التذکرة بأصول الفقه*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

۱۰. همو، *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، الثانیة، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]

۱۱. همو، *الجمل*، قم، مکتبة الداوری، بی‌تا.
۱۲. همو، *المزار*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.
۱۳. همو، *المسائل الجارودیة*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.
۱۴. همو، *المسائل السرویة*، بیروت، دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴-۱۹۹۳م.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-07-31]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.17.67.6.5]